

سید مصلح الدین مہدوی



## فقید مجاہد حضرت آیۃ اللہ حاج

سید محمد باقر شفتی (حجۃ الاسلام شفتی)

سید حجة الاسلام یکی از درخشانترین ستارگان آسمان علم و فضیلت زهد و تقوا در قرن ۱۳ هجری است که مدت ۸۵ سال در دنیا زندگانی کرد و از خود آثار نیکویی بجای گذاشت. دوران عمر پرافتخار او مشحون به سعی و کوشش در راه اجرای کامل مقررات اسلام و اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد و بی دینی و مجاهده در برابر ظالم و ستمگر - از شخص شاه گرفته تا کمترین افراد جامعه - بوده است.

#### نسب شریف

مرحوم سید حجة الاسلام در مقدمه کتاب *مطالع الأنوار* نسب خود را بدین گونه مرقوم داشته است: سید محمد باقر بن سید محمد نقی بن محمد زکی بن محمد تقی بن محمد قاسم بن امیر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر قاسم بن سلطان سید علی قاضی بن علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد بن محمد المجدور بن احمد المجدور بن محمد الاعرابی بن ابی محمد قاسم الاعرابی بن ابی القاسم حمزه بن الامام الهمام موسی الکاظم (علیه السلام).

#### تولد

سید حجة الاسلام بنابر آنچه خود در یکی از اجازاتش مرقوم فرموده در سال ۱۱۹۲ هـ. ق. هفده سال داشته است بنابر این تولد ایشان در سال ۱۱۷۵ هـ. ق. خواهد بود و تاریخ های دیگر مانند ۱۱۸۰ هـ. ق. و غیره از روی حدس و گمان است.

#### محل تولد

آقا سید محمد نقی پدر سید حجة الاسلام در قریه «چرزه» از قرای طارم علیا، ساکن بوده و پیشوای دینی آن دهکده بشمار می رفته و فرزندش سید حجة الاسلام در این روستا متولد گردیده است، این دهکده در فاصله قریب ۵۰ کیلومتری زنجان و ۶۰ کیلومتری

شفت<sup>۱</sup> قرار گرفته است.

آقا سید محمد نقی در سال ۱۱۸۲ هـ.ق. با خانواده خود به شفت مهاجرت کرد و مرحوم حجة الاسلام تا سال ۱۱۹۲ هـ.ق. در خدمت پدر در شفت ساکن بود و مقدمات علوم را نزد پدر و دیگر فضلاء محل بیاموخت و سپس جهت تکمیل معلومات خود احتمالاً به رشت و قزوین مهاجرت کرد و بالأخره به اعتاب مقدسه ائمه عراق (علیهم السلام) مهاجرت نمود، در این زمان حوزه های علمی داخل ایران در اثر فتنه افغان و آثار آن و عدم توجه نادرشاه و کریم خان زند به علم و علماء، چندان رواج و رونق نداشت اگر چه در برخی از شهرها همچون اصفهان، علمای بزرگواری بودند که همچنان چراغ علم و دانش را فروزان نگاه داشته بودند، اما جنگ های داخلی و اختلاف امرا و حکام، سبب ناامنی محیط و مساعد نبودن آن جهت مشتاقان دانش بود و طالبین علم مجبور بودند به کربلا و نجف که مرکز علمی و مجمع فضلا و مجتهدین بود روی آورند.

در سال ۱۱۹۲ هـ.ق سید حجة الاسلام به سمت عراق مهاجرت نمود و مدت یک سال در کربلا به درس مؤسس بهبهانی حاضر شد و سپس به نجف اشرف رفت و در سال ۱۲۰۴ هـ.ق جهت معالجه بیماری خود به بغداد رفته و مدت زمانی در کاظمین ساکن شد.

### اقوال نویسندگان و مؤلفین

دو گروه از نویسندگان درباره آن مرحوم مطالب و عقایدی اظهار کرده اند:

\* ۱- علمای بزرگوار و مؤلفین مسلمان (از شیعه و سنی)، اینان همگی وی را به عظمت و بزرگی و علم و فضل و زهد و تقوا و دیگر ملکات نفسانی و فضائل اخلاقی ستوده اند.

\* ۲- خارجیان غیرمسلمان و مدعیان اسلامی که تحت تأثیر اقوال بیگانگان قرار گرفته اند، یعنی غرب زدگان و آنانی که همه چیز را از دیدگاه خارجیان و به اصطلاح مستشرقین، می بینند و خویشان خود را فراموش کرده اند.

اینک جهت نمونه گفتار هردو دسته را نقل می کنیم:

۱- علامه محقق منتبج مرحوم سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه درباره او

.....

۱- یکی از دهستانهای بخش مرکزی شهرستان فومن.

می نویسد:

فقیه و امام و رئیس... او جامع بین مقامات دنیوی و آخروی بود و از مصادیق قول امام (ع) بود که فرمود: خداوند متعال برای بعضی از افراد، دنیا و آخرت را باهم روزی می کند.

از علم و فضل و تقوا و سخاوت و اهتمام در امور مسلمین و مقام ارجمند و کوشش در نشر احکام و شرایع و تعظیم شعائر اسلام و اقامه حدود و هیبت و عظمت در دل‌های حکام و پادشاهان، چیزهایی که در هیچ یک از علما بدینگونه جمع نشده است.<sup>۱</sup>

۲- علامه فقیه زاهد، مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی که سالها در خدمت ایشان تلمذ نموده و با او معاشر بوده است و از روحیات و نفسانیات استاد کاملاً مستحضر بوده در کتاب شریف روضات الجنات درباره استادش می نویسد:

العَجَبُ العُجَابِ وأعجب الأعجاب وحيرة أولى الأبواب... كان رحمة الله تعالى على روحه المنور ومرقده المعطر أرفع أن يصفه الواصفون في أمثال هذا الكتاب... اجتماع فيه مكارم أخلاق الأنبياء العشرة الكاملة....

حجة الاسلام را خردمندترین مردم روزگارش دیدم... حجة الاسلام دیندار به تمام معنی بود چنانچه کلیه متدینان و حافظان و خزینه داران دین در برابر دیانت او تسلیم بودند بلکه می توان گفت ایمان کلیه مردم، جزئی از ایمان حقیقی او بود من معتقدم در اثبات حقایق علمی و براهین عقلی و نقلی کسی همتای او نبوده و مانند او به دقایق علمی لسان گویایی نداشته...<sup>۲</sup>

۳- مرحوم مدرّس تبریزی در ریحانة الادب درباره او می نویسد:

فقیه، اصولی، ادیب، نحوی، رجالی، ریاضی و در فقه و اصول و رجال و درایه و هیئت و علوم ادبیه و فنون عربیه از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیه و حید روزگار، و در عبادات و مناجات و سخاوت عطايا و اقامه حدود و اوراد و نوافل او، نوادر بسیاری منقول و فوایدی که از وی به سادات و فقرا و طلاب علوم دینیه عاید می گردید، خارج از حد احصاء می باشد.<sup>۳</sup>

۴- مرحوم محدث قمی (رضوان الله علیه) در کتب تراجم خود وی را عنوان فرموده و او را به: السيد الأجل وحيد الأیام و مقتدی الأتنام سيد العلماء الأعلام ستوده و مطالب صاحب

.....

۳- ج ۲ ص ۲۶.

۲- ص ۱۲۴.

۱- ج ۹/۱۸۸، ط بیروت.

اعیان الشیعه و روضات الجنات را با اندک اختلاف در الفاظ نقل فرموده است.

دیگر مؤلفین نیز وی را به همین نحو ستوده اند

اما گروه دوم یعنی خارجیان غیرمسلمان و غرب زدگان مدعی مسلمانی

عموم نویسندگان خارجی و مستشرقین، آن عده از علماء اسلام و شیعه را که دارای قدرت و نفوذ بوده و در اجرای احکام اسلام و رفع بدعتها می‌کوشیده‌اند و در برابر حکام و سلاطین و ظلم و ستم آنان مقاومت نموده و مبارزه می‌کرده‌اند، نمی‌پسندند و هر یک از آنها را بگونه‌ای وصف می‌کنند که لایق مقام شامخ آنان نبوده و نمی‌باشد مثلاً عالمی را جاه‌طلب، متکبر و مال‌دوست و غیره می‌خوانند، آنها عالمی را که در برابر کلیه مظلّم دستگاها سکوت کند و تسلیم دستورات سلاطین و حکام جابروغاصب باشد و خود را از کلیه امور اجتماعی بدور دارد، می‌پسندند.

از مخالفین مرحوم سید حجة الاسلام در بین خارجیان باید: ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی در کتاب تاریخ ادبیات ایران و حامد الگار را نام برد اینان اجرای حدود از طرف مرحوم سید حجة الاسلام و داشتن ثروت را مورد ایراد قرار داده‌اند از نویسندگان غیر خارجی باید حاجی شیروانی در بستان السیاحه و عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار و مهدی بامداد در کتاب «شرح حال بزرگان ایران در سه قرن اخیر» را ذکر نمود.

حاجی شیروانی از نظر صوفی گری مخالف است و این دو نفر دیگر بلندگوی خارجیان و مستشرقین غیرمسلمان می‌باشند، عباس اقبال آشتیانی اجرای حدود و قصاص را میرغضبی نام می‌گذارد و بر ثروت مرحوم سید انتقاد می‌کند اما نمی‌گوید ثروت او از کجا آمده و در چه راهی صرف شده است، مهدی بامداد عیناً مطالب مجله یادگار را به عبارتی دیگر بدون ذکر مأخذ نقل می‌کند.

جواب ایرادات اینان را نویسنده در کتاب بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمدباقر گفته و نوشته ام، طالبین مراجعه کنند.

شخصیت و مقام سید حجة الاسلام در نظر حاجی کلباسی

مرحوم حاج محمد ابراهیم کلباسی از اعاضم علماء و اکابر فقها و در علم و زهد و

.....  
۱- فوائد الرضویه/ ۴۲۶. الکنی والألقاب/ ۱۵۵. هدیة الأحاب/ ۱۲۴ (چاپهای اول).

تقوا و اعراض از امور دنیوی، معروف و مشهور و داستانهای احتیاط او در امور شرعیه بین مردم و متون کتب مضبوط است اینک نظریه آن مرحوم را درباره مرحوم سید حجة الاسلام بیدآبادی نقل می‌کنیم:

۱- مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۹) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاجی کلباسی می‌نویسد: من خود از حاجی شنیدم که در بالای منبر می‌فرمود:  
اگر رسول خدا (صلی الله علیه وآله و سلم) در مدینه می‌بود و اهل اصفهان قاضی می‌خواستند آن حضرت آقا سید محمد باقر را به قضاوت نصب می‌کرد.  
۲- مرحوم حاج میرزا ابوالهدی کلباسی فرزند مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی در رساله البدر التمام (ص ۱۳) در ضمن شرح حال حاجی کلباسی می‌نویسد:

وقتی محمد شاه به سلطنت رسید و تحت تأثیر وزیر صوفی خود و دیگران بنای مخالفت با عموم علما و بالأخص سید حجة الاسلام را گذاشت، مرحوم حاجی کلباسی که در امور دینی غیور و در دفع بدعتها ساعی و کوشا بودند لازم دانستند که مسافرتی به طهران کرده و شاه را نصیحت کنند و از عواقب این امور بر حذر دارند.

پس از شرحی که راجع به این سفر و استقبال مردم مسلمان و علماء طهران از حاجی نمودند درباره ملاقات با شاه می‌نویسد حاجی کلباسی به محمد شاه فرمودند:

مبادا حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) از شما ملول و دلتنگ باشند.

شاه معنی این سخن را درک نکرد و وحشت زده گفت:

من اخلاصم درباره ائمة اطهار (علیهم السلام) در حد کمالست.

حاجی فرمودند: به اعتقاد من تاکنون عالمی همچون سید الطائفه (مرادشان سید حجة الاسلام بوده است) نیامده است و او امروز مانند جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) می‌باشد بجز آن که آن حضرت معصوم بودند و ایشان معصوم نیستند... کسی که سید حجة الاسلام را اذیت کند حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) را اذیت کرده است و آن کس که با سید دشمنی کند با آن حضرت دشمنی کرده است.

۳- مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶) در ضمن شرح حال آقا سید ابراهیم قزوینی می‌نویسد:

حاجی کلباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت ضعف است و آنان که مدعی اجتهادند اکثر مجتهد نیستند و اگر کسی ادعای اجتهاد و مرافعه می‌نمود، حاجی او را

تفسیق می‌کرد.

و در جای دیگر می‌فرماید:

مرحوم حاجی کلباسی در اصفهان فقط حاج سید محمد باقر شفتی را مجتهد و عادل

می‌دانست و...

## شهرت و لقب

تا حدود یک قرن پیش عموم القاب و عناوینی که جهت علما و بزرگان (غیر از القاب و عناوینی که جهت حکام و سلاطین می‌گفتند و می‌نوشتند) گفته می‌شد از روی حقیقت و استحقاق و شایستگی افراد بود، تا کسی را شایسته مقامی نمی‌دانستند وی را به صفتی که لایق او نبود نمی‌ستودند و کمتر خلاف واقع بوده و از روی خصوصیات فردی گفته می‌شد. عادل و زاهد و متقی معنی واقعی داشت نه تعارف و تملق گویی. برای نمونه در طول ۱۳ قرن القاب زیر جهت افراد معینی گفته و نوشته می‌شد:

- ۱- آیه الله: لقب و شهرت علامه حلی؛
- ۲- استاد البشر: خواجه نصیرالدین طوسی؛
- ۳- استاد الكل فی الكل: آقا حسین خوانساری؛
- ۴- بحر العلوم: حاج سید مهدی طباطبائی؛
- ۵- ثقة الاسلام: محمد بن یعقوب کلینی، صاحب کتاب کافی؛
- ۶- حجة الاسلام: حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی؛
- ۷- شیخ نزد متأخرین: شیخ مرتضی انصاری؛
- ۸- شیخ الرئيس: ابوعلی بن سینا؛
- ۹- شیخ الطائفة: محمد بن حسن طوسی؛
- ۱۰- شهید: شهید اول (محمد بن جمال الدین مکی العاملی) و شهید دوم (شیخ زین الدین جُبعی عاملی)؛

۱۱- صدوق: محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی؛

۱۲- علامه: حسن بن یوسف بن علی بن محمد بن مطهر حلی؛

۱۳- علم الهدی: سید مرتضی؛

۱۴- فاضل: بهاء الدین محمد بن حسن بن محمد اصفهانی (مؤلف کشف اللثام)؛

۱۵- کافی الکفاة: ابوالقاسم اسماعیل بن عباد طالقانی اصفهانی؛

- ۱۶- مجتد: میرزا محمد حسن شیرازی؛  
 ۱۷- محقق: محقق حلی - محقق کرکی (مشهور به محقق ثانی)؛  
 ۱۸- مدقق: ملا میرزا شیروانی؛  
 ۱۹- معلم: فارابی - میرداماد؛  
 ۲۰- مقدس: ملا احمد اردبیلی؛  
 ۲۱- مؤسس: وحید بهبهانی.  
 و امثال ذلک از القاب ...

از اواخر قرن سیزدهم و در طول قرن چهاردهم این کلمات و عناوین از معانی و مفاهیم لغوی و اصطلاحی خود خارج شده و بیشتر جنبه تشریفاتی پیدا کرد، تا زمان حاضر که برای هیچ یک از الفاظ نامبرده و نظایر آن مفهومی بجز از تعارف و مجامله و خوشایند گویی دیده و شنیده نمی شود. در بین علمای بزرگوار شیعه استعمال لقب «حجة الاسلام» منحصر بود به مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی پیدآبادی و در بین دانشمندان سنی فقط به محمد بن محمد غزالی طوسی مؤلف احياء العلوم و کیمیای سعادت و... گفته می شد و الحق مرحوم شفتی شایسته این خطاب بوده است.<sup>۱</sup>

#### اساتید و مشایخ اجازه سید حجة الاسلام

مرحوم حاج سید محمد باقر در موطن و شهر خود نزد فضلالی آن ناحیه، مقدمات علوم را بخوبی فرا گرفت. اسامی اساتید وی بطور کلی مجهول است و به احتمال قوی یکی از آنان پدر اوست که از پیشوایان دینی و امام جماعت آن ناحیه بوده است از آن پس ظاهراً جهت تکمیل فضایل و علوم خود به قزوین و بعداً به اکتاب مقدسه ائمه عراق (علیهم السلام) رهسپار گردید. مهاجرت او به عراق در سال ۱۱۹۲ هـ. ق یعنی موقعی است که از سن او هفده سال گذشته است. در شهرهای کربلا، نجف و کاظمین نزد مدرّسین معروف و مجتهدین نامدار به تحصیل پرداخت سپس به ایران برگشته و در قم و کاشان خدمت علمای بزرگ رسیده و پس از وصول به مقامات عالیة علم و اجتهاد و کسب اجازه روایتی و گواهی اجتهاد، به اصفهان منتقل گردید و تا آخر عمر در این شهر به تدریس و تألیف و خدمت به

.....

۱- القاب امام جمعه، شیخ الاسلام، صدر (صدر خاصه - صدر عامه)، قاضی عسکر، قاضی و حاکم شرع، مآبآشی، نایب الصدر، نقیب و امثال ذلک از مناصب و مشاغل بوده و عموماً از طرف سلاطین و حکام معین می شدند و عزل و نصب ایشان بر حسب امیال و دستورات آنان بوده است.



خلق و عبادت حضرت حق اشتغال جست. اسامی عده‌ای از اساتید ایشان برحسب حروف الفبا:

\* ۱- مرحوم میرزای قمی: حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن گیلانی شفتی معروف به محقق قمی از اکابر علماء و مجتهدین، عالم، فاضل، محقق، مدقق، متتبع، زاهد، عابد، از مفاخر علمی شیعه صاحب کتاب قوانین الأصول که از بهترین کتابها در فن اصول بوده و از زمان تألیف تاکنون از کتب معتبر درسی است که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود. در سال ۱۱۵۰ هـ. ق یا ۱۱۵۲ هـ. ق درقریه دره باغ از قرای جاپلق متولد گردیده و در موطن خود و خوانسار و عتبات عالیات نزد مجتهدین عالی مقام همچون وحید بهبهانی و آقا محمدباقر هزار جریبی و مولی مهدی فتونی و دیگران تتلمذ نموده و پس از وصول به مقام اجتهاد به ایران برگشت، مدت زمانی در زادگاه خود و مدتی در اصفهان و شیراز ساکن و سرانجام در قم سکونت اختیار کرده و به همین مناسبت به میرزای قمی شهرت یافته است و سرانجام در سال ۱۲۳۱ هـ. ق در قم فوت کرده و در قبرستان شیخان مدفون گردید، تعداد کتب و رسائل تألیفی ایشان قریب ۳۰ رساله و کتاب می‌شود از آن جمله ۱- رساله اصول دین به فارسی که چندین بار به چاپ رسیده؛ ۲- جامع الشتات، ۳- غنائم الايام در فقه؛ ۴- قوانین الاصول.

\* ۲- آقا محمد باقر معروف به وحید بهبهانی (۱۱۱۷-۱۲۰۵ هـ. ق) فرزند مولی محمد اکمل اصفهانی، نسب مرحوم وحید بهبهانی به ۱۴ واسطه به جناب شیخ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید (علیه الرحمه) می‌رسد. مولی محمد اکمل اصفهانی از علمای اواخر عهد صفوی و از شاگردان و مجازین علامه مولی محمد باقر مجلسی (علیه الرحمه) بود و داماد آقا نورالدین محمد بن مولی محمد صالح مازندرانی - داماد علامه مجلسی اول - می‌باشد از این رو مرحوم وحید بهبهانی در تألیفات خود از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به خال (دایی) تعبیر می‌کند، مولی محمد اکمل در فتنه افغان از اصفهان به بهبهان مهاجرت می‌کند.

مرحوم وحید بهبهانی که گاهی وی را مؤسس بهبهانی نیز خوانده اند، عالم، جلیل، محقق، مجتهد، اصولی بلکه زنده کننده اصول و اصولیین، عابد، زاهد... تعداد کتب و رسائل وی را قریب ۴۷ کتاب و رساله نوشته اند. دانشمند بزرگوار حجت الاسلام حاج شیخ علی دوانی کتابی مستقل در شرح حالات آن مرحوم و خاندانش بنام وحید بهبهانی تألیف نموده و تاکنون دوبار به چاپ رسیده طالبین مراجعه فرمایند.

\* ۳- شیخ اسدالله کاظمینی فرزند مولیٰ اسماعیل دزفولی (۱۱۸۶-۱۲۳۴ ه.ق) در کتابها نام نوزده کتاب و رساله از تألیفاتش را ذکر کرده‌اند که معروفتر از همه کتاب مقابس الأنوار در احکام نبی مختار (صلى الله عليه وآله وسلم) می‌باشد که گاهی آنرا مقابیس نیز گویند.

\* ۴- شیخ جعفر بن شیخ خضر جناحی (۱۱۵۶ یا ۱۱۵۴-۱۲۲۷ ه.ق)، نسب او به مالک اشتر نخعی از بزرگان تابعین و یاران خاص حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌رسد.

مرحوم شیخ جعفر از اعظام فقها و مجتهدین و اکابر علما و روسای اسلام و دین در زمان خود بود. تعداد تألیفات او ۱۵ کتاب و رساله می‌باشد که معروفتر از همه کتاب «کشف الغطاء عن خفیات مبهمات الشریعة الغراء» می‌باشد و به همین جهت وی را به صاحب کشف الغطاء و اولاد و اعقاب او را که خاندانی بزرگ و دودمانی جلیل در نجف اشرف می‌باشند، آل کشف الغطاء می‌خوانند.

سه تن از دخترانش در اصفهان به خانه شوهر رفته‌اند و آنها عبارتند از:

۱- زوجه آقا شیخ محمدتقی رازی اصفهانی مؤلف: هدایة المسترشدين؛

۲- زوجه آقا سید صدرالدین محمد بن صالح عاملی موسوی جد خاندان: صدر،

صدرعاملی، خادمی در اصفهان، قم و کاظمین؛

۳- زوجه ملامحمد علی بن آقا باقر هزارجریبی اصفهانی.

\* ۵- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی (۱۲۲۷ ه.ق) عالم جلیل، فقیه

بزرگوار، وی تألیفاتی داشته که از بین رفته است.

\* ۶- آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی از اعظام حکمای

مشرعین و فلاسفه الهیین، شاعر و متخلص به نوری، از شاگردان آقا محمد بیدآبادی و میرزا

ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و در فن خوش نویسی شاگرد درویش عبدالمجید طالقانی

اصفهانی خطاط شکسته نویس معروف بود.

در قصص العلماء اشاره‌ای به شاگردی مرحوم حجة الاسلام نزد حاجی نوری دارد،

مرحوم نوری دارای ۱۹ کتاب و رساله در موضوعات مختلف از تفسیر و عقاید و مباحث

حکمت و فلسفه است.

\* ۷- میرسید علی طباطبائی اصفهانی حائری (۱۱۶۱-۱۲۳۱ ه.ق) از اکابر فقها

و مجتهدین، عالم، زاهد، متقی، مؤلف «ریاض المسائل» شرح بر کتاب مختصر النافع در

دو مجلد معروف به شرح کبیر. نزد علمای بزرگ تحصیل نمود، و تعداد ۲۰ کتاب و رساله تألیف کرده است.

در قصص العلماء گوید: میرزای قمی در فقه و آقا سید علی در اصول استاد مسلم بودند لکن کتابهای آن دو برخلاف شهرتشان، اولی در اصول و دومی در فقه عنوان و شهرت و مرغوبیت پیدا کرد.

\* ۸- سید محسن اعرجی کاظمینی فقیه کامل، عابد، زاهد، معروف به محقق اعرجی (۱۲۴۰-۱۳۲۷ ه. ق.)، تعداد ۱۸ کتاب و رساله تألیف نموده است.

\* ۹- آقا سید محمد مجاهد اصفهانی حائری (حدود ۱۱۸۰-۱۲۴۲ ه. ق) فرزند علامه جلیل آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل، فقیه کامل، مجاهد، پس از آنکه ایران در مرحله اول جنگ با روسها شکست خورد و طبق عهده‌نامه قسمتی از قفقاز را تصرف نمود، بنای بدرفتاری و ظلم را نسبت به عموم ساکنین آن شهرها و بخصوص مسلمین گذارد، مردم به علما مراجعه کرده و از آنان استمداد نمودند مرحوم آقا سید محمد طبق وظیفه شرعی که مرجعیت تقلید داشت حکم به جهاد داد و از این رو به سید مجاهد شهرت یافت.

مرحوم آقا سید محمد علاوه بر آنکه اصفهانی زاده است چندین سال از ۱۲۱۶ ه. ق بعد از قضایای وهابیه و گُشت و کشتار وحشیانه آنها در کربلا به اصفهان مهاجرت نموده و تا هنگام وفات پدر بزرگوارش در این شهر ساکن و به تدریس و تألیف اشتغال داشته است، تعداد تألیفاتش را ۱۴ عدد نوشته‌اند که معروفتر از همه کتاب مصابیح و مناهل در فقه می‌باشد.

\* ۱۰- ملا مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، جامع معقول و منقول، عمده تحصیلات او در اصفهان نزد علامه فقیه مولی اسماعیل خواجه‌بوی و ملا مهدی هرنندی و دیگران بوده است. وی دارای قریب ۴۲ کتاب و رساله است که از آن جمله است ۱- انیس التجار؛ ۲- جامع السعادات در اخلاق؛ ۳- محرق القلوب در مقتل؛ ۴- مشکلات العلوم و غیره.

\* ۱۱- میرزا مهدی شهرستانی<sup>۱</sup> اصفهانی حائری (حدود ۱۱۳۰-۱۲۱۶ ه. ق) فرزند سید ابوالقاسم موسوی، فقیه، زاهد، متقی، وی دارای تألیفاتی است که از آن جمله است مصباح در فقه.

.....

۱- اعقاب دختری او که سادات حسنی می‌باشند به علت انتساب به این سید جلیل به شهرستانی معروفند که از آن جمله است عالم بزرگوار مرحوم سید هبة‌الدین شهرستانی حسینی (ره).

\* ۱۲- مرحوم حاج سید مهدی بن سید مرتضی طباطبائی بروجردی معروف به: سید بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ه.ق)، فقیه، جامع معقول و منقول، صاحب کرامات و مقامات، مشار با لبنان، و به اجماع علمای شیعه آن عصر وی مکرر به خدمت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه) مشرف گردیده است. تعداد تألیفات ایشان قریب ۲۲ کتاب و رساله می باشد که از آن جمله است: ۱- ارجوزه در موضوعات مختلف شامل چندین رساله؛ ۲- تحفة الکرام تاریخ مکه و مسجد الحرام؛ ۳- ذرّة، منظومه ای است در فقه؛ ۴- دیوان اشعار؛ ۵- رجال؛ ۶- مشکوة الهدایة در فقه؛ ۷- مصابیح الأحکام در فقه در سه مجلد و غیره.

### ادوار تحصیل

مرحوم سید حجة الاسلام در سال ۱۱۷۵ ه.ق متولد و تا سال ۱۱۸۲ ه.ق در زادگاه خود بوده و سپس به اتفاق پدرش به شفت مهاجرت کرده در سال ۱۱۹۲ ه.ق به کربلا رفته و در سال ۱۱۹۳ ه.ق به نجف مشرف گردید در سال ۱۲۰۴ ه.ق به بغداد و کاظمین رفت، در سال ۱۲۰۵ ه.ق به قم برگشته و در سال ۱۲۰۶ ه.ق در کاشان بود پس از چند سال مجدداً به قم بازگشت و تا سال ۱۲۱۶ ه.ق در خدمت میرزای قمی بود سپس در سال ۱۲۱۷ ه.ق جهت سکونت به اصفهان آمد و تا آخر عمر در این شهر بوده است.

### مشایخ اجازه

مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی از چند تن از علما اجازه روایت و اجتهاد داشته است که عبارتند از:

- ۱- میرزا ابوالقاسم قمی؛
- ۲- شیخ سلیمان عاملی کاظمینی؛
- ۳- سید محسن اعرجی کاظمینی؛
- ۴- میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری.

### تألیفات و آثار علمی

سید حجة الاسلام که حافظه اش ضرب المثل عصر خویش بود از زمره علمای بزرگواری است که تمام عمر پربرکت او در راه اسلام و دین از تحصیل و تدریس و اقامه

جماعت و اجرای حدود و امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه علیه ظلم و ظالم و رسیدگی به امور فردی و اجتماعی مردم مسلمان گذشته است. مرحوم حجّة الاسلام در دوران تحصیل در نجف اشرف علاوه بر تحصیل در خدمت بزرگان، جمعی از طالبان علم نیز در خدمتش درس می‌خواندند از جمله کتابهایی که در این زمان درس می‌گفتند کتاب سیوطی بوده که در موقع تدریس مطالبی در توضیح مشکلات کتاب بیان می‌نموده و آنها را خود نیز ضبط و یادداشت می‌کرده است در سال ۱۲۰۴ هـ. ق که جهت معالجه بیماری به بغداد رفت آن مطالب را جمع‌آوری نموده و آنها را بنام «الحلیة اللامعة» نامیده است و ظاهراً این کتاب اولین تألیف آن جنابست. تاریخ اتمام این کتاب رجب ۱۲۰۴ هـ. ق می‌باشد. آخرین اثری که از مرحوم سید حجّة الاسلام به نظر رسیده است اجازه‌ای است که برای آخوند ملا محمد در ربیع الاول ۱۲۶۰ هـ. ق یعنی تقریباً یکماه قبل از فوت نوشته است.

مرحوم حجّة الاسلام جمعاً ۶۱ کتاب و رساله کوچک و بزرگ تألیف نموده است که از آن جمله:

۱- تحفة الأبرار الملتقط من آثار الائمة الأطهار به فارسی در موضوع نماز در دو مجلد بزرگ؛

۲- رسائل رجالیه، ۲ رساله در شرح حال ۲ نفر از روایان حدیث؛

۳- سؤال و جواب در دو مجلد بزرگ که جلد اول آن چاپ شده است؛

۴- مطالع الأنوار در شرح صلوة شرایع الاسلام در ۶ مجلد بزرگ.

این چهار کتاب از آثار مرحوم حجّة الاسلام به چاپ رسیده است عده‌ای از بزرگان علما از شاگردان مرحوم حجّة الاسلام و دیگران، منتخباتی از تحفة الابرار را فراهم آورده‌اند که از آن جمله مرحوم حاج محمد جعفر آباءه‌ای کتاب الوجیزه را از این کتاب انتخاب نموده که به چاپ رسیده است.

ضمناً رساله‌های: ۱- آداب الصلوة اللیل؛ ۲- رساله‌ای در شگ و سهو؛ ۳-

رساله‌ای در حرمة محارم الموطوء علی الواطی؛ ۴- رساله‌ای در حکم اقامه حدود در زمان

غیبت؛ ۵- رساله‌ای در زیارت عاشورا ضمن کتاب سؤال و جواب به چاپ رسیده است.

### برخی از نظرات سید حجّة الاسلام شفتی

بین فقهای بزرگوار، در بعضی از مسائل فقهی اختلاف است اینک چند نظریه از

مرحوم حجّة الاسلام:

## ۱- بطلان وقف بر نفس یا رساله در اوقاف

مرحوم حجة الاسلام وقف بر نفس بخصوص یا در ضمن دیگری را باطل می‌دانسته یعنی اینکه شخص چیزی را برای خود— مستقلاً یا در ضمن فرد و یا افراد دیگر— وقف کند جایز نمی‌دانست و از این رو بسیاری از موقوفات قدیمی را محکوم به بطلان می‌دانسته و دستور داده بود که این گونه موقوفات به وارثین آنها بازگردد و پس از فوت واقف با آنها معامله ملکیت شود.

## ۲- عدم جواز بقاء بر تقلید میت

مرحوم سید حجة الاسلام در رساله سؤال و جواب در جواب این سؤال که هرگاه شخصی از مجتهدی تقلید نماید آیا بعد از فوت آن مجتهد می‌تواند در تقلید او باقی بماند؟ می‌فرماید: تقلید میت جایز نیست و باید به یکی از مجتهدین زنده مراجعه کند. و سپس برای اثبات نظریه خود اقوال چند نفر از مجتهدین را نقل می‌کند از آن جمله: مولیٰ محمّد باقر (ظاهراً آقا باقر بهبهانی) سید مهدی بحر العلوم، شهید ثانی و محقق ثانی (علیهم‌الرحمة).

مرحوم مولیٰ عبدالوهاب قزوینی رساله‌ای در رد این قول تألیف نموده است.

## ۳- وجوب اقامه حدود در زمان غیبت بر علما

در بین مجتهدین بزرگوار در موضوع حدود ولایت فقیه، اختلاف است برخی از آنان ولایت فقیه را همچون ولایت رسول اکرم (ص) و ائمه طاهرین (ع) می‌دانند و معتقدند که در زمان غیبت امام (علیه‌السلام) همان ولایتی که حضرت ولی عصر دارند فقهاء نیز دارا می‌باشند از جمله این علما:

مرحوم سید حجة الاسلام است که اقامه حدود را در زمان غیبت بر مجتهدین واجب می‌دانسته و خود بدان عمل می‌نموده است.

## سید، اسوه تقویٰ و شجاعت

درباره زندگانی شخصی و اجتماعی مرحوم سید حجة الاسلام از نظر عبادت و شب زنده‌داری، سخاوت و بخشندگی، رسیدگی به امور فقراء و مستمندان، قضاوت و رسیدگی به دعاوی، تفقد و دلجویی و رعایت حال و مراتب علما و دانشمندان و طلاب علوم دینی و همچنین در مورد طرز برخورد و معاشرت آن مرحوم با حکام وقت در اصفهان (محمّد میرزا سیف الدوله، یوسف گرجی، عبدالله خان امین الدوله، معتمد الدوله منوچهر خان گرجی) و

سلاطین معاصر (فتحعلیشاه، محمد شاه قاجار) و صدراعظم‌ها (قائم مقام، حاج میرزا آقاسی) و علمای بزرگوار معاصر، داستانها و حکایاتی نقل شده است که هر کدام از جهتی معرفت شخصیت بارز و روح بلند آن مرحوم است و ما برای احتراز از اطالۀ کلام فقط چند مورد از اخلاقیات آن مرحوم که می‌تواند اسوه مناسبی برای همه باشد متذکر می‌شویم:

### تهجد و شب‌زنده‌داری

این سید بزرگوار پیوسته مراقب باری تعالی بود و چیزی او را از حالت حضور و مراقبت باز نمی‌داشت، گوشه‌های چشم او از کثرت گریه کردن در مقام تهجد مجروح شده بود.

یکی از نزدیکان این بزرگوار گفته است: با آن مرحوم به یکی از روستاها رفتیم، شب را در راه گذرانیدیم. سید به من فرمود؛ نمی‌خواهی؟ من رفتم که بخواهم، چون سید گمان کرد که من خوابیدم برخاست و مشغول نماز شد، به خدا قسم دیدم بندهای شانه و اعضایش می‌لرزید به طوری که کلمات نماز را از شدت حرکت فکین و اعضا مکرر می‌نمود تا آن را صحیح ادا کند.

گویند از شدت حضور قلبی که در پیشگاه خداوند داشت، بندهای دوشش می‌لرزید و به محض این که مجلس از مردم خلوت می‌شد، اشکش جاری می‌گشت، جاری شدن اشک او مقارن بیرون رفتن آخرین فرد مجلس بود.

محدث قمی می‌نویسد: در عبادت و دعا و مناجات با قاضی الحاجات و نوافل و اوراد، حکایات بسیار از آن جناب نقل شده است.<sup>۱</sup>

مرحوم تنکابنی می‌گوید: این بزرگوار از نیمه شب تا صبح، به گریه و زاری و تضرع اشتغال داشت و در صحن کتابخانه اش... دعا و مناجات می‌خواند و بر سر و سینه می‌زد تا صبح، و چنان صدای گریه او بلند بود که اگر همسایه‌ها بیدار می‌شدند می‌شنیدند. بالآخره، از کثرت گریه و زاری، در اواخر عمر به بیماری «بادفتق» مبتلا شده بود و پزشکان هر چه معالجه کردند سود نبخشید. بناچار، سید را از گریه منع کردند و گفتند؛ گریستن بر تو حرام است؛ زیرا، موجب افزایش مرض می‌شود. و هنگامی که سید به مسجد می‌رفت تا وقتی که در مجلس حضور داشت ذاکرین منبر نمی‌رفتند و اگر اتفاقاً در حضور او ذاکری بالای منبر

.....  
۱- وحید بهبهانی ص ۲۲۲.

می‌رفت او بر نمی‌خواست و باز گریه می‌کرد.

### حجة الاسلام شفتی و حاکم اصفهان

حجة الاسلام، هرگز به دیدن حاکم اصفهان نرفت. و هر وقت که حاکم، خدمت ایشان شرفیاب می‌شد، دم در می‌ایستاد و سلام می‌کرد، و مکرراً اتفاق می‌افتاد که سید متوجه نمی‌شد، پس از لحظاتی که نگاه می‌کرد و او را می‌دید، اذنِ جلوس می‌داد. و هرگز برای وی تواضع نمی‌کرد.<sup>۲</sup>

### وصف نماز حجة الاسلام

تنکابنی در ضمن شرح حال مرحوم صاحب جواهر گوید:

در بدو ورودم به نجف اشرف شب را در مسجد شیخ طوسی که شیخ محمد حسن صاحب جواهر در آن نماز جماعت می‌گذارد، حاضر شدم و پهلوی شیخ ایستادم و نماز مغرب را به او اقتدا نمودم... و چون نحوه نماز خواندن او را دیدم شیطان به من وسوسه کرد که چرا شیخ نماز را به این سرعت خواند مخصوصاً که بعد از سجده آخر بلافاصله که خواست سر از سجده بردارد، تسبیح برداشت و با آن تسبیح بازی کرد تا تشهد و سلام گفت پس با نفس خود بسیار مجادله کردم و بر نفس غالب شدم و نماز عشاء را هم به او اقتدا کردم. و در میان علمای آن زمان سه قسم نماز مشاهده کردم یکی نمازی که صاحب جواهر بجای می‌آورد که در ظاهر پست‌تر از آن نمازها بود، دوم نماز متوسط مانند نماز استادم آقا سید ابراهیم (اعلی الله مقامه)، سوم نماز آقا سید محمد باقر حجة الاسلام که از بهترین نمازها بود و من برای اقتدا به ایشان در نماز صبح هر روز از خانه‌ام که در مسافتی قرار داشت به مسجد او می‌رفتم و نزدیک او به او اقتدا می‌کردم و همچنین غالباً دیگر نمازها را به او اقتدا می‌کردم که قرائت و صدای او را بشنوم و او زمانی که تکبیر الاحرام می‌گفت، مد می‌داد و من از بعضی شاگردانش پرسیدم که «الله» جای مد نیست و سید چرا مد می‌دهد؟ در جواب گفت که ما این سخن را از او سؤال کردیم فرمود: در زمانی که به کلمه مبارک «الله» تکلم می‌کنم از حالت اختیار بیرون می‌روم این مد دادن اختیاری من نیست. او همه نماز را با نهایت حضور قلب و خضوع بجای می‌آورد و حتی شنونده را هم به گریه می‌آورد و نقل شده که نماز آخوند

.....  
۲- قصص العلماء ص ۱۴۵.



ملاعلی نوری در خوف و هیبت و حضور قلب اکمل از نماز حجّة الاسلام بود.<sup>۱</sup>

سید معمولاً در قنوت نمازش این دعا را می‌خواند:

اللّٰهُمَّ اهدنا فيمن هديت وعافنا فيمن عافيت وتولّنا فيمن تولّيت وقينا شرّما قضيت و  
بارک لنا فيما أعطيت.

چنانکه شیخ بهائی در قنوت معمولاً این دعا را می‌خواند:

اللّٰهُمَّ اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة إنّک علی کل شیء

قدیر.<sup>۲</sup>

برخی از شاگردان و مجازین از سید حجّة الاسلام

مرحوم سید حجّة الاسلام همانگونه که گفته شد در سال ۱۲۱۷ هـ. ق به اصفهان مهاجرت کرد و در روزهای اول در مدرسه چهارباغ و سپس در محله دردشت و بعداً در محله بیدآباد در مدرسه میرزا حسین و پس از آن در ساختمان مسجد سید که به همت خود ایشان بنا گردید مشغول تدریس شد و عده زیادی در خدمتش تلمذ کردند. نویسنده در کتاب بیان المفآخر اسامی ۱۴۸ نفر از شاگردان ایشان را ذکر کرده‌ام که از آن جمله است:

۱- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش حسینی قاینی عالم فاضل (م ۱۲۹۳ هـ. ق)، ایشان مؤلّف السبعة السیارة یا الکواکب السبعة در هفت مسئله از مسائل اصول و ۱۷ کتاب و رساله دیگر می‌باشند.

۲- سید ابوالقاسم احمد بن محمّد حسنی حسینی کوپائی مؤلّف «الارشاد» در شرح حال صاحب بن عبّاد (چاپ شده) و چندین کتاب و رساله دیگر.

۳- حاج شیخ محمّد باقر بن شیخ محمّد تقی بن محمّد رحیم رازی ایوان کیفی (ایوان کثی) معروف به نجفی (۱۲۳۵-۱۳۰۱ هـ. ق).

۴- علامه فقیه زاهد، آقا میرزا محمّد باقر چهارسوقی (۱۲۲۶-۱۳۱۳ هـ. ق) فرزند مرحوم حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری اصفهانی مؤلّف کتاب روضات الجنات در شرح حال علماء و سادات شیعه و سنی که چندین دفعه به چاپ رسیده و به فارسی نیز ترجمه شده است. مرحوم صاحب روضات قریب ۱۸ کتاب و رساله تألیف نموده است.

.....

۱- قصص العلماء ص ۸۵

۲- قصص العلماء ص ۱۰۹

۵- ملا محمد تقی اردکانی فرزند ابوطالب عالم جلیل، مؤلف کتابهای بسیار همان کسی که در زمان محمد شاه مورد سوءظن دولتیان واقع شد و به خانۀ سید حجۀ الاسلام پناهنده گردید و بست نشست، مأمورین حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت او را از بست سید بیرون برده و در تهران تحت نظر قرار دادند و در همان شهر وفات یافت.

۶- علامه جلیل مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی اصفهانی حائری، (۱۲۱۷-۱۲۹۹ ه.ق) مؤلف قریب پنجاه مجلد کتاب و رساله در موضوعات مختلف.

۷- حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای اصفهانی (م ۱۲۸۰ ه.ق) عالم جلیل از معروفترین شاگردان و خواص اصحاب مرحوم سید حجۀ الاسلام و مؤلف قریب ۱۶ کتاب و رساله از آن جمله: ۱- نقود المسائل الجعفریة؛ ۲- الوجیزة؛ ۳- هدایة الاخیار.

۸- حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی (م ۱۳۰۳ ه.ق)، نام این عالم جلیل، سید محمد تقی بوده به سید جواد شهرت یافته، وی مؤلف چندین کتاب و رساله می باشد از آن جمله: ۱- الدرّة الباهرة؛ ۲- مقالید الاحکام؛ ۳- ینابیع الحکم.

۹- آقا سید محمد حسن موسوی معروف به مجتهد فرزند سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجهوی، عالم جلیل، (حدود ۱۲۰۷-۱۲۶۳ ه.ق)، مؤلف قریب ۲۰ کتاب و رساله در موضوعات فقه و اصول و تفسیر و غیره از آن جمله: ۱- یک دوره فقه در ۶ مجلد؛ ۲- مهجة الفؤاد در شرح ارشاد در ۱۴ مجلد کوچک و رساله ای در وجه اعجاز قرآن مجید که به چاپ رسیده است.

۱۰- علامه فقیه میرسید حسن بن میر سید علی حسینی میر محمد صادقی معروف به مدرس (۱۲۱۰-۱۲۷۳ ه.ق) وی قریب ۱۲ کتاب و رساله تألیف نمود که از آن جمله است: ۱- جوامع الاصول؛ ۲- رساله ای در فقه استدلالی؛ ۳- مناسک حج.

ایشان در بین مجتهدین به مدرس معروف بود و ظاهراً او اول کسی است که به این لقب شهرت یافته، اگرچه عموم علما و مجتهدین قبل و بعد از ایشان تدریس می نموده اند لکن هیچ کدام به این عنوان شناخته نشده اند.

۱۱- مولی محمد حسین بن علی اکبر بن مولی ابراهیم خوانساری اصفهانی. پدر و پسر در خدمت سید حجۀ الاسلام تتلمذ نموده اند پدر قریب یازده کتاب و رساله تألیف نموده که تماماً به خط مؤلف در کتابخانه حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی در قم موجود است و

در سال ۱۲۷۱ ه. ق وفات یافته است.

اما مولیٰ محمد حسین (م ۱۳۰۲ ه. ق) نیز چندین کتاب و رساله تألیف نموده که نسخه های آنها نیز در کتابخانه حضرت آیه الله گلپایگانی در قم موجود است.

۱۲- سید محمد رضا بن سید اسماعیل موسوی شیرازی مؤلف کتاب «الانوار الرضویة» معروف به شرح رضوی و قریب نه جلد کتاب و رساله دیگر (۱۲۲۳-۱۳۰۸ ه. ق)

۱۳- حاج سید شفیع بن سید علما اکبر موسوی جاپلقی مؤلف کتاب «روضه البهیة» در اجازة اجتهاد و روایتی جهت دو فرزندش سید علی اصغر و سید علی اکبر و چند کتاب و رساله دیگر (م ۱۲۸۰ ه. ق)

۱۴- میرمحمد صادق حسینی کتابفروش یکی از دامادهای سید (۱۲۱۰-۱۳۰۴ ه. ق).

۱۵- ملا عبدالله زنوزی فرزند خان بابا، حکیم، فیلسوف، مدرس مدرسه مروی در تهران مؤلف چندین کتاب در حکمت و کلام و اصول اعتقادات (م ۱۲۵۷ ه. ق)

۱۶- ملا عبدالله بن نجم الدین معروف به فاضل قندهاری (۱۲۲۷-۱۳۱۲ ه. ق) تألیفاتش متجاوز از سی کتاب و رساله می باشد که از آن جمله است: ۱- تذکرة العلماء ۲- ترجمه تفسیر منسوب به حضرت عسگری (علیه السلام)؛ ۳- دیوان اشعار با تخلص مهجور و وصال و غیره.

۱۷- سید محمدعلی معروف به آقا مجتهد فرزند علامه جلیل آقا سید صدرالدین موسوی عاملی، عالم و ادیب و شاعر، یکی از دامادهای مرحوم سید (۱۲۳۹-۱۲۷۴ ه. ق) و دارای تألیفاتی است از آن جمله: ۱- احیاء التقوی؛ ۲- ابلاغ المبین؛ ۳- منظومه ای در موارث و منظومه دیگری در وقف و مهر.

۱۸- فرزندان حاجی کلباسی آقا محمد مهدی، حاج آقا محمد، شیخ جعفر، شیخ محمد رضا، آقا نورالله.

۱۹- فرزندان خود مرحوم سید: حاج سید اسدالله، سید ابوالقاسم، سید زین العابدین، سید محمدعلی، سید مؤمن، سید عبدالله و احتمالاً میرزا ابوالفضل فرزند آقا سید زین العابدین.

۲۰- میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی مؤلف قصص العلماء و متجاوز از دویست کتاب و رساله دیگر که خود اسامی آنها را در قصص العلماء ذکر می کند، (حدود

۱۲۳۵-۱۳۰۲ ه.ق).

۲۱- علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی فرزند حاج میرزا زین العابدین موسوی خوانساری مؤلف «مبانی الاصول» (۱۲۳۵-۱۳۱۸ ه.ق).  
جهت آگاهی از احوالات عموم شاگردان مرحوم سید حجة الاسلام تا آنجا که آگاهی داریم به کتاب بیان المفاخر جلد یکم مراجعه شود.

### علل و موجبات شهرت مرحوم سید حجة الاسلام

بطور اجمال می‌توان علل پیشرفت و شهرت مرحوم سید حجة الاسلام را در نکات زیر پیدا کرد:

۱- شخصیت ممتاز و علم و اخلاق و سخاوت و ملکات نفسانی و تصلب در امر دین و امر به معروف و نهی از منکر نمودن که در این راه از هیچ کس و هیچ چیز نمی‌هراسید.  
۲- ترویج و تقویت علماء و مجتهدین از ایشان به طور مثال:

الف: وقتی فتحعلیشاه در تهران از جناب میرزای قمی خواست عالمی که شایسته امام جمعه و جماعت مسجد شاه تهران را داشته باشد، معرفی کند، مرحوم میرزای قمی سید حجة الاسلام را معرفی نمود.

ب: وقتی از مرحوم آقا سید محمد مجاهد درباره اجتهاد سید حجة الاسلام سؤال شد، در جواب فرموده بود: از آقا سید محمد باقر پرسید که آقا سید محمد مجتهد هست یا نه.

ج: حاجی کلباسی به طوری که گفتیم او را مجتهد می‌دانست و قضاوت کردن او را صحیح می‌دانست.

د: حاجی ملا علی نوری، حکیم و فیلسوف بزرگوار، با کبر سن و مقام شیخوخیت، جهت درک نماز جماعت و اقتدا به مرحوم سید با بُعد مسافت به مسجد میرزا باقر و بعداً مسجد سید حاضر می‌شد.

ه: احترامی که حاجی کلباسی و مرحوم نوری در اجتماعات نسبت به مرحوم سید حجة الاسلام رعایت می‌نمودند. مرحوم حاجی هیچ‌گاه در موقع راه رفتن بر مرحوم سید مقدم نمی‌شد سید و حاجی هر دو پشت سر مرحوم حاج ملا علی نوری راه می‌رفتند. از نظر مقام استاد و احترام و بزرگداشت ایشان.

و: رعایت حال زیردستان و پرستاری از فقرا و درماندگان، بخصوص طالبان علم و دانشمندان که در این باره داستانها و حکایات زیادی نقل شده است.

ز: مقام شامخ علمی و تسلط بر مطالب علمی بخصوص در فقه و رجال، وی را از عموم علمای معاصر خود ممتازتر ساخته بود.

### موارد انتقاد مخالفین

عموم نویسندگان موافق و مخالف، مرحوم سید حجة الاسلام را به علم و فضل و اجتهاد و همچنین زهد و تقوا و عبادت و سخاوت و توجه به حال و زندگانی علما و دانشمندان و طالبان علم و فقرا و مستمندان ستوده‌اند.

دو چیز مورد نظر مخالفین آن مرحوم قرار گرفته است.

الف: اجرای حدود؛ ب- ثروت.

\* الف: همانگونه که تذکر دادیم مرحوم سید حجة الاسلام مانند عموم مجتهدین بزرگوار معتقد بود که احکام و مقررات اسلام تعطیل بردار نیست و باید کلاً اجرا شود و اجرای حدود شرعی را بر مجتهدین واجب می‌دانست و خود اجراء می‌کرد، با این تفاوت که دیگر مجتهدین به موارد و موجبات وجوب اجرای حد و قصاص رسیدگی می‌کردند و حکم صادر می‌فرمودند و اجرای آن را از حکام وقت می‌خواستند لکن مرحوم سید حجة الاسلام پس از ثبوت جرم و صدور حکم، خود دستور اجرا می‌داد و مأمورینش اجراء می‌کردند.

نقل است که در یکی از دیدارها که فتحعلیشاه از ایشان نمود، همین موضوع را عنوان کرده و گله کرد و از ایشان خواست که اجرای احکام را به عهده او و حکام گذارد و خود اجراء نفرماید؛ مرحوم حجة الاسلام در جواب شاه گفت:

باید فرمان خداوند درباره مجرمین اجرا شود و در آن تعطیل و تأخیر جایز نیست. حکم صبادرو به حاکم جهت اجرای آن ابلاغ می‌شود، ممکن است حکم به شما برسد و یا نرسد، شما دستور اجرای آن را بدهید یا ندهید، مأمورین و حکام آن را اجرا بکنند یا نکنند، در هر حال تأخیر در اجرای احکام الهی به هیچ عنوان جایز نیست و بلافاصله باید اجراء شود. این موضوع را خارجیان، که با احکام اسلام و قرآن آشنا نیستند، درک نمی‌کنند و می‌خواهند که اسلام فقط اسم آن باشد نه اجرای احکام آن.

برخی از نویسندگان داخلی و غرب زدگان نیز قدرت روحانیت را نمی‌پسندند و عالم و مجتهد را فردی ناتوان و مأمور دستگاه دولتی می‌خواهند و آن کس را که از خود قدرتی نشان دهد و اجرای احکام الهی را به عهده گیرد، حکومتی داخل حکومت تعبیر می‌کنند

....و

درباره تعداد احکام قتل که از طرف سید حجة الاسلام صادر شده، اختلاف است و ظاهر آن است که تعداد آن قریب ۸۰ نفر بوده، اما یکی از آنها به دست خود ایشان انجام یافته است.

در کتاب قصص العلماء (ص ۱۱۵) آمده است:

«فردی را به جهت لواط، حکم به قتل فرمود، به هرکس تکلیف کرد، قدرت بر اجرای حکم را نداشت، آخر الامر خود سید برخاسته و ضربتی بر او زد و لکن تأثیری نکرد پس شخصی برخاست و او را گردن زد و خود سید نیز بر او نماز گذارد».

حضرت امام (قدس سره الشریف) هم فرموده بودند اگر قدرت داشتیم خود حکم اعدام سلمان رشدی را اجراء می‌کردم و آیه الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی (قده) نیز بارها در جنبه‌ها حضور یافته و خود شخصاً اقدام به تیراندازی به طرف دشمنان بعثی می‌نمود.

ب: داستان ثروت: دومین موضوعی که درباره سید حجة الاسلام مورد ایراد و انتقاد مخالفین قرار گرفته است، موضوع ثروت و دارایی ایشان است.

آنچه مؤلفین کتب در این باره نوشته‌اند مأخوذ از گفتار مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء می‌باشد. مرحوم تنکابنی فردی ساده لوح و زودباور بوده، آنچه را می‌شنیده بدون آنکه احتمال مبالغه یا دروغ بودن درباره آن بدهد در کتاب خود نقل کرده است. یک مطالعه اجمالی درباره سرگذشت علما که در کتاب نامبرده نقل نموده است، زودباوری او را ثابت می‌کند.

او در کتابش می‌نویسد: «سید مالک چهارصد کاروانسرا و دوهزار باب دکان و املاک فراوان در اصفهان... و یزد و شیراز و بروجرد... بود و محصول برنج او از بلوک کردن، چهارصد خروار در سال و میزان مالیات او هفده هزار تومان بوده است» اما نمی‌نویسد که این اطلاعات را از کجا کسب کرده است. در شهر اصفهان که در آن تاریخ چهارصد کاروانسرا وجود نداشته و... بعداً مهدی بامداد در کتاب خود میزان مالیات را هفتاد هزار تومان می‌نویسد.

ولی باید به صراحت گفت و نوشت که تمام نوشته‌های مرحوم تنکابنی از روی عدم اطلاع و آنچه بامداد می‌نویسد از روی غرض و عناد می‌باشد.

آنچه مسلم است آن که مبالغه زیادی، از عموم شهرهای ایران از وجوه شرعیة خمس، زکات، صدقات، سهم امام نزد ایشان می‌آمده و آن بزرگوار بدون تأخیر بین فقرا و مستحقین قسمت می‌نموده است.

مرحوم تنکابنی در ضمن شرح حال مرحوم سید حجة الاسلام می‌نویسد: «فرزند ایشان آقا میرزا زین العابدین، در اصطبل خود یکصد رأس اسب داشت، هر یک از فرزندان مرحوم سید خانه و دستگاه مجزا و مجهز داشتند.» دیگر نمی‌گوید و نمی‌نویسد که اصطبل مرحوم سید زین العابدین که گنجایش صد اسب خوب داشته در کجا قرار داشته است! مخالفین همین سخن را دیده و بدون آنکه درباره آن فکر کنند، نقل نموده و ایراد می‌گیرند.

مرحوم سید در زمان حیات خود مرجعیت تامه داشته و بیشتر وجوه شرعیه نزد او می‌آمده، اما پس از مرگ، از خود اثری بجای نگذاشت که زندگانی اولاد او را تأمین کند، به طوری که بیشتر نوادگان او در حالت فقر و ناداری زندگانی می‌کردند و ما خود شاهد و ناظر بودیم و از معتمدین شنیدیم.

### منشأ و منبع ثروت مرحوم سید

درباره منبع ثروت مرحوم سید در بین عوام داستانها گفته می‌شود اما آنچه یقین است آنکه:

یکی از تجار رشت، مقداری وجه نقد نزد ایشان فرستاد که مقداری مربوط به خود ایشان باشد و قسمتی را صرف امور خیریه کند. مرحوم سید با سهمیه خود از طریق مضاربه تجارت می‌کرد و سود حاصله را صرف زندگانی خود و تقسیم بین فقرا و درماندگان و اهل فضل و دانش می‌نمود.

### فوت و ماده تاریخ وفات

مرحوم سید حجة الاسلام پس از هشتاد و پنج سال سن که در راه دین و شریعت صرف شده بود، در بعد از ظهر روز یکشنبه دوم ربیع الثانی ۱۲۶۰ هـ. ق در اصفهان وفات یافت و این روز مصادف با دوم فروردین ماه سال ۱۲۲۳ شمسی بود. مراسم تغسیل و تکفین و نماز به وسیله فرزند ارشد و اعلم ایشان، حاج سید اسدالله انجام گردید و در روز چهارشنبه در مقبره مخصوص مدفون گردید. آنچه تا کنون بر نویسنده مجهول است، علت تأخیر دفن است از روز یکشنبه تا چهارشنبه.

در روضات الجنات (چاپ اول) فوت را در ربیع الاول می‌نویسد و بعد عموم نویسندگان همین ماه را نقل کرده‌اند، اما با توجه به ماده تاریخ مرحوم همای شیرازی و

تصحیحی که در چاپ دوم روضات از روی خط مرحوم صاحب روضات به عمل آمد، مسلم شده که ماه وفات، ربیع الثانی است.

عده زیادی از شعرا در مرثیت او و ماده تاریخ وفاتش اشعاری سروده اند:

۱- مرحوم رضا قلی خان هما، در ضمن قصیده ای گوید:

در اول حَمَل و دوم ربیع دوم زدامگاه جهان شد بسوی دار سلام

به لفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم چو بشمری مأتین است و الف و ستین عام

۲- عشرت فسایی (حاج میرزا عبدالرحیم ۱۲۱۰-۱۲۶۳ ه.ق) نیز ضمن قطعه ای

گوید:

سال تاریخ وفاتش خواستم گفت عشرت: «حجت دین شد تمام»

۳- مرحوم علامه صاحب روضات الجنات، دو قصیده عربی در مرثیت استاد بزرگوار

خود فرموده است. در قصیده راثیه فرماید:

وسألت طبع القرم عن تاریخ رحلته فجر ذیلاً وقال «الله انزله کریم المستقر»

## مدفن

مرحوم سید حجة الاسلام را پس از فوت در بقعه ای که در ضلع شمالی مسجد سید قرار دارد و خود آن مرحوم جهت دفن خویش بنا کرده بود، دفن نمودند و سپس در زمان تولیت مرحوم حاج سید محمد باقر دوم، فرزند حاج سید اسدالله، ضریحی فولادی تهیه کردند و اکنون مزار آن مرحوم همچون شاهد متبرکه و امامزادگان، محل زیارت مؤمنین می باشد. برای آگاهی از وضع این مقبره، به کتاب نفیس «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» مراجعه شود.

## آثار وجودی سید حجة الاسلام

حاج سید محمد باقر شفتی از سال ۱۲۱۶ یا ۱۲۱۷ ه.ق که به اصفهان مهاجرت نمود و تا سال ۱۲۶۰ که در این شهر وفات یافت، یعنی در طول تقریباً ۴۴ سال، منشأ خدمات ارزنده ای شده که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- تألیف و تصنیف کتب و رسائل؛

۲- تربیت و تعلیم شاگردان که هریک عالمی بزرگوار و فقیهی معروف شدند؛

۳- تعیین حدود حرم و مسجد الحرام و مطاف در مکه معظمه در سال ۱۲۳۲ ه.ق

که به حج مشرف شد.



۴- اجرای حدود و فصل خصومات و رسیدگی به دعاوی و قضاوت شرعی و توجه دادن کلیه طبقات از شخص شاه تا کمترین افراد جامعه، به وظایف علما و اقامه جماعت و نشر احکام و مواعظ؛

۵- بنیاد مسجد سید در محله بیدآباد که به نام آن مرحوم، مسجد سید معروف و از آبادترین مساجد اصفهان است که بعد از فوت ایشان به وسیله اولاد و نوادگانش تکمیل و تزیین گردیده است؛

۶- ایجاد بازار، مقابل مسجد و اهمیت یافتن محله بیدآباد و توسعه آن در اثر وجود آن مرحوم و مسجد سید؛

### اولاد و اعقاب سید حجة الاسلام

یکی از آثار باقیه مرحوم سید حجة الاسلام، خاندان جلیل اولاد و اعقاب او می باشد که به نامهای جعفری، موسوی، شفتی، عمادی، فقیه و غیره معروفند. مرحوم سید حجة الاسلام، جمعا دارای ۱۳ فرزند (ده نفر پسر و سه دختر) به شرح زیر بوده است:

۱- سید ابوالقاسم، عالم فاضل (م ۲۸ صفر ۱۲۶۲ هـ. ق)؛  
۲- حاج سید اسدالله، اعلم و افقه اولاد آن مرحوم (۱۲۲۸-۱۲۹۰ هـ. ق)؛  
۳- حاج سید جعفر از رؤسای علمای اصفهان، فوت: عاشورای سال ۱۳۲۰ هـ. ق در کربلا؛

۴- آقا سید زین العابدین عالم معروف، فوت: قبل از ۱۲۹۰ هـ. ق؛  
۵- آقا سید عبدالله، فوت: بعد از ۱۲۸۹ هـ. ق؛  
۶- حاج سید محمدعلی از علما و ائمه جماعت مسجد سید و صاحب تألیفات، از شاگردان صاحب جواهر؛

۷- آقا سید مؤمن که بعد از حاج سید اسدالله، عالمترین فرزند مرحوم سید حجة الاسلام بوده است؛

۸- آقا میر محمد مهدی؛

۹- سید قاسم که در زمان حیات مرحوم سید وفات یافت؛

۱۰- سید هاشم، فوت: قبل از ۱۲۹۳ هـ. ق؛

۱۱- زوجه مرحوم آقا میر محمد صادق کتابفروش؛

۱۲- زوجه مرحوم آقا سید محمد علی معروف به آقا مجتهد؛

۱۳- زوجه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی .

مطالب این مقاله مأخوذ از کتاب «بیان المفاخر در احوالات حاج سید محمد باقر

شفتی» می باشد.

### فهرست برخی از مصادر و مأخذ

- |                              |                                |
|------------------------------|--------------------------------|
| ۱- اعیان الشیعه              | حاج سید محسن امین عاملی        |
| ۲- بیان المفاخر              | سید مصلح الدین مهدوی           |
| ۳- تاریخ اصفهان و ری         | حاج میرزا حسن خان انصاری       |
| ۴- تاریخ زنجان               | حاج سید ابراهیم زنجانی         |
| ۵- تاریخ علماء و شعراء گیلان | شیخ حسن                        |
| ۶- تذکره القبور              | ملا عبدالکریم گزی              |
| ۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان | سید مصلح الدین مهدوی           |
| ۸- الذریعة                   | حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی        |
| ۹- رجال اصفهان               | سید مصلح الدین مهدوی           |
| ۱۰- روضات الجنات             | میرزا محمد باقر چهارسوقی       |
| ۱۱- ریحانة الادب             | میرزا محمد علی مدرس تبریزی     |
| ۱۲- فوائد الرضویه            | حاج شیخ عباس محدث قمی          |
| ۱۳- قصص العلماء              | میرزا محمد تنکابینی            |
| ۱۴- الکرام البررة            | حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی        |
| ۱۵- معارف الرجال             | شیخ علی بحرینی                 |
| ۱۶- مکارم الآثار             | میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی |
| ۱۷- موسوعة العتبات           | جعفر خلیلی                     |
| ۱۸- وحید بهبهانی             | حاج شیخ علی دوانی              |

